

*Research Article*

## Investigating the Meaning of Guarantee in the Qur'an Using the Method of Press Semiotics

Majid Rejali<sup>1</sup>, Mohammadreza Yousefi<sup>2\*</sup>, Mohammadhassan Masoumi<sup>2</sup>

### Abstract

One of the syntactic issues that is the subject of controversy between visual and Kufi syntax is the discussion of the spiritual substitution of these letters to another place, in which the Kufis have considered it permissible and the visuals have not considered it permissible. Are used themselves, have benefited from the guarantee rule. Guarantee means that instead of developing in the sense of the letter, the meaning of the verb is developed along with the heterogeneous preposition. This simple definition of guarantee does not include all the implicit views in the discussion of guarantee; Because there is a difference between the methods in the discussion of what and how the guarantee works; Some have come to believe in spiritual wine and some have accepted semantic conversion, and since guarantee is a posterior rule in language and is prescribed for language, a linguistic approach must be used to correctly identify which method of dealing with guarantee is correct; Therefore, in order to recognize the truth of the meaning of guarantee in this paper, the method of press semiotics has been used and with this criterion, it has been determined that development in the meaning of signs has not been done alone in the discussion of letters nor in verbs alone; Rather, in a two-way process, the two signs have combined their meanings in a combined forgery.

**Keywords:** Prepositions, Guarantee, Linguistics, Semiotics, Pierce

---

1. PhD Student of Arabic language and literature, Islamic Azad University Qom branch, Qom, Iran  
2 Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University of Qom, Qom, Iran

**Correspondence Author:** Mohammadreza Yousefi

**Email:** Dryousefi53@gmail.com

**DOI:** [10.30495/QSF.2022.679157](https://doi.org/10.30495/QSF.2022.679157)

**Receive Date:** 07.10.2020

**Accept Date:** 22.12.2020

## بررسی معنای تضمین در قرآن با استفاده از روش نشانه‌شناسی پرس

مجید رجالی<sup>۱</sup>، محمدرضا یوسفی<sup>۲\*</sup>، محمدحسن معصومی<sup>۳</sup>

### چکیده

از اختلافات نحوی‌های بصری و کوفی مساله جایگزینی معنوی حروف به جای هم است که کوفیان آن را جایز، و بصریان آن را جایز ندانسته‌اند و در برابر این پرسش که برخی حروف در معنای غیرحقیقی خود استعمال می‌شوند، از قاعده تضمین بهره برده‌اند. تضمین توسعه در معنای فعل همراه با حرف جر ناهمگون است. این تعریف از تضمین در بردارنده همه دیدگاه‌ها نیست؛ زیرا برخی از نحوی‌ها قائل به اشراب معنوی و برخی تبدیل معنایی را پذیرفته‌اند و از آنجا که تضمین یک قاعده تجویزی است، برای بازشناسی درستی اینکه کدام شیوه در برخورد با تضمین صحیح است، باید از روشی زبان‌شناسانه بهره برد؛ از این‌رو، برای بازشناسی حقیقت معنای تضمین در این نوشتار از روش نشانه‌شناسی پرس بهره گرفته و با این معیار مشخص شده است که توسعه در معنای نشانه‌ها نه به تنهایی در بحث حروف صورت گرفته و نه به تنهایی در افعال واقع شده است؛ بلکه در فرایندی دوسویه این دو نشانه معانی خود را به صورت جعل ترکیبی با هم تلفیق کرده‌اند.

**واژگان کلیدی:** حروف جر، تضمین، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، پرس

۱. دانشجو دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران

ایمیل: Dryousefi53@gmail.com

نویسنده مسئول: محمدرضا یوسفی

## مقدمه و بیان مسئله

یکی از اصطلاحاتی که در موضوع حروف جر قابل بررسی است، سخن از «تناوب حروف» و به تعبیر دیگر «انابه الحروف یا تعاقب الحروف» است. در تعریف این اصطلاح گفته شده است که جایگزین شدن حروف در معنای هم را تناوب حروف می‌گویند؛ به عبارت دیگر، این اصطلاح برای بررسی این مسئله است که آیا حروف یک معنای اصلی دارند و سایر معانی که برای آنها استفاده می‌شود معنای مجازی است یا حروف معانی گوناگونی دارند. چنانکه سایر واژه‌ها نیز ممکن است چند معنای حقیقی داشته باشند؛ به معنی ساده، آیا حروف می‌توانند در معنا جایگزین هم بشوند یا خیر که میان دانشمندان ادب عربی درباره حکم این مسئله اختلاف نظر وجود دارد و مشهور در این است که کوفیان این جایگزینی را جایز دانسته‌اند (سامرای، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۶) اما در اینکه معنای تضمین چیست و چگونه بر معنا تأثیرگذار است، میان آنها اختلاف نظر وجود دارد. برخی تبدل معنایی را پذیرفته‌اند؛ به این صورت که معنای فعل همراه با حرف جر را به معنای فعل متناسب با حرف جر تغییر می‌دهند. برخی دیگر اشراب معنایی را ارائه می‌دهند؛ به این صورت که معنای نخست پابرجاست؛ اما به واسطه حرف جر معنای ثانوی نیز برای فعل همراه با حرف جر پدید می‌آید (ابوالبقاء الکفوی، بی‌تا، ص ۲۶۶). پرسشی که در این میان مطرح می‌شود این است که کدام یک از این دو دیدگاه صحیح است. برای پاسخ به این پرسش یک راه مراجعه به فهم عرب جاهلی است که دریافت فهم آنها در زمان حال، یا ممکن نیست یا بی‌نهایت دشوار است و نکته دیگری که در اینجا وجود دارد، این است که اگر این امر ممکن بود پژوهشگران سنتی زبان عربی نباید دچار اختلاف می‌شدند؛ زیرا زمان آنها به مراتب به زمان اعراب جاهلی نزدیک‌تر بوده است و اعراب بادیه‌نشین همچنان در صحرا حضور داشته‌اند. با وجود این، اختلاف در معنای تضمین بین دستوریان مشاهده می‌شود؛ البته در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت اصل و اساس تضمین از نگاه تجویزی به زبان ناشی می‌شود؛ در واقع، این نگاه با قاعده‌سازی درصد توجیه واقعیت‌های زبانی است و چه‌بسا در این فرایند قواعدی بر زبان تحمیل شوند (کریستال، ۲۰۰۸: ۳۸۴)؛ از این رو، راهکار دیگری برای قضاوت میان روش‌های ارائه‌شده در تضمین وجود دارد و آن، استفاده از روش‌های عقلی فلسفه زبانی است که زبان‌شناسان در قرون اخیر از آن استفاده کرده‌اند. یکی از این روش‌ها بحث نشانه‌شناسی است که درباره چگونگی ارائه معنا به وسیله مدالیل زبان بحث می‌کند؛ البته میان نشانه‌شناسان نیز روش‌های گوناگونی ارائه شده است که در جنبه‌های گوناگونی با هم تضاد دارند؛ از این رو، در این نوشتار از پارادایم نشانه‌شناسی پرس استفاده می‌شود که شباهت زیادی به بحث‌های زبان‌شناسی در فلسفه اسلامی دارد.

نشانه‌شناسی پرس چه ارتباطی با زبان‌شناسی معنایی تضمین در قرآن دارد؟

## پیشینه تحقیق

پیرامون این موضوع پژوهش‌هایی چند صورت گرفته است از آن جمله: مقاله وجه بلاغی تضمین نحوی در زبان عربی، نوشته سید رضا نجفی؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۸۶ شماره ۱.

مقاله نگاهی به مساله تضمین کلمات در زبان عربی، نوشته احمد پاشا زانوس؛ مجله ادبیات تطبیقی سال اول پاییز ۱۳۸۸ شماره ۱، ص ۱.

مقاله نقش تضمین در ترجمه و تفسیر قرآن کریم، نوشته سهیلا دوست بامری؛ کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، ۱۳۹۳.

مقاله تضمین نحوی و اقسام آن در قرآن کریم، نوشته سید محمدهادی زبرجد و بتول علوی، پژوهش‌های قرآنی در ادبیات سال اول بهار و تابستان ۱۳۹۳ شماره ۱، ص ۶۴.

مقاله معناشناسی افعال از خلال تضمین نحوی و برابره‌های آن در ترجمه‌های مکارم و مشکینی، نوشته بهمن هادی لو، مطالعات سبک شناختی قرآن کریم سال اول بهار و تابستان ۱۳۹۷ شماره ۲، ص ۹۳.

مقاله سنجش انتقادی نحوه مواجهه مترجمان با تضمین‌های نحوی در قرآن، نوشته رویا عرب علیدوستی و همکاران؛ مطالعات ترجمه قرآن و حدیث دوره ششم بهار و تابستان ۱۳۹۸ شماره ۱۱، ص ۶۹.

مقاله نقد عملکرد مترجمان قرآن کریم در ترجمه تناوب و تضمین نحوی، نوشته جواد محمدزاده صلاح الدین عبدی، پژوهش‌های قرآنی سال بیست و چهارم زمستان ۱۳۹۸ شماره ۴، ص ۲۶.

کتاب تضمین نحوی در قرآن از منظر المیزان، نوشته حمید الهی دوست و همکاران؛ نسیم حیات، ۱۳۹۷.

با نگاهی گذرا به عناوین و محتوای این مقالات می‌توان دریافت هیچ کدام از این نوشته‌ها تضمین نحوی را بر اساس متدی زبانشناسانه بررسی ننموده‌اند در حالی که این نوشتار در صدد است این مساله را با دیدی زبانشناسانه بر اساس متد نشانه‌شناسی ارزیابی نماید چرا که همانگونه که در تبیین مساله بیان شد بحث از تضمین، بحث از قواعدی است که برای زبان تجویز شده است و تحلیل اینکه این تجویز درست بوده یا نه نیاز به متدی دارد که در بحث‌های زبانشناسانه به دست می‌آید.

### نشانه‌شناسی پرس

دانشمند آلمانی، کارل بولر، زبان را ابزاری برای ارتباط مردم با یکدیگر معرفی می‌کند (بولر، ۱۹۳۴: ص ۲۲). این دانشمند بزرگ برای این مهم الگویی طراحی کرد که بعدها در مطالعات کاربردی معنا، اصل ضروری به شمار آمد. وی بر این اعتقاد بود که هر نشانه زبانی در یک زمان سه نقش ایفا می‌کند: ۱- نقش نماد که به واسطه آن به موضوعی خارجی اشاره می‌کند. ۲- نقش نشان که به وسیله آن اطلاعاتی از فرستنده به دست می‌آید و ۳- نقش علامت که در اثر آن گیرنده واکنشی نمایان می‌کند (رنکما، ۱۹۹۳: ص ۷). اما دکارت و لاک معتقد بودند علم بدون واسطه در ذهن در اختیار فرد قرار می‌گیرد و شهود می‌شود به واقع ایشان علم به خود را یقینی می‌دانستند (جواندل، ۱۳۸۰: ص ۱۶۳) و درواقع، دیدگاهی مانند آنچه فیلسوفان اسلامی در حضوری بودن علم نزد عالم بیان داشته بودند، مطرح می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۸۶: ج ۴، ص ۹۲۰).

در مقابل پیرس (۱۸۳۹-۱۹۱۴ م) به مخالفت با علم، به نفس یا درون‌نگری می‌پرداخت؛ از این‌رو، در دیدگاه وی همه اندیشه‌های انسانی به وسیله نشانه‌ها برای وی معلوم می‌شود و نشانه را نیز بدیهی قلمداد

نمی‌کند؛ بلکه تفسیر آن را در کنار اندیشه یا تصویر دیگر واجد معنا می‌داند؛ از این رو، ارتباط سه رکن شیء، نشانه و تفسیرگر یا نشانه ذهنی، معنای هر اندیشه را می‌سازد (شرف، ۱۹۹۴: ص ۳۶-۳۵).

در نگاه وی به خلاف نظام دال و مدلول که بر اساس ساختاری دوگانه پایه ریزی شده بود و بر دال و وچگونگی دلالت آن بحث می‌نمود، نشانه‌شناسی پیرس، بر بنیانی سه‌گانه شکل گرفته است. در این نگاه هر چیزی نشانه است چرا که می‌توان از آن داده به دست آورد. در نتیجه نگاه به نشانه آنرا به تمام موجودات گسترده می‌دهد و نه تنها شامل امور خارجی می‌گردد، بلکه امور درونی انسان مانند افکار و احساسات و... را نیز در بر می‌گیرد (دیویی، ۱۹۲۵-۱۹۵۳: ص ۱۴۹)؛ نگاه وی تا آنجا پیش رفت که به باور وی همه هستی پر از نشانه‌های گوناگون قلمداد نمود (پیرس، ۱۹۹۲: ص ۲۰۳).

تعریف سه‌گانه پیرس از نشانه شامل: «نشان» به معنای «نمود چیزی» به گونه‌ای که فراتر از زبان قراردادی است. «موضوع» یا «شیء نشانه‌شناختی» که شامل همه امور قابل تصور است. «تفسیرکننده» یا «نشانه تفسیرکننده» که بر سوژه دلالت نمی‌کند، بلکه بر اژه یا آنچه میان نشان و موضوع، برقرار می‌کند، دلالت می‌کند. وی، تفسیرگر را، نشانه ذهنی قلمداد می‌نمود که معنای ویژه‌ای را ایجاد می‌کند، و از این رو آنچه در ذهن شکل می‌گیرد را نشانه می‌داند و از همین روست که در تعامل با سایر نشانه‌ها، مفاهیم را پدید می‌آورد. پس به باور پیرس، فرایند معرفت و شناخت، در واقع تعامل نشانه‌ها و باز تولید آنهاست. در این صورت اندیشه همان نشانه است و از آنجا که هر نشانه بر چیزی دلالت می‌کند و این یک رابطه تکوینی است و به تحلیل نیاز دارد، پس فهم افکار و اندیشه‌ها همان بازگردانی نشانه‌ها است (آملی رضوی، ۱۳۹۰: ص ۱۰).

برای نمونه لفظ گل را می‌توان نشانه، گل خارجی را شیء و گل ذهنی را - که از برخورد ذهن با نشانه به دست می‌آید - مفسر دانست. این دیدگاه را می‌توان تا حدودی مشابه دیدگاه سنتی به دال و مدلول دانست که در آن دال با لفظ گل و مدلول با تصویر ذهنی یا نشانه ذهنی مترادف‌اند و شیء نیز همان گل خارجی است که دال بر آن دلالت می‌کند (طوسی، ۱۳۶۷: ص ۶۲). در این دیدگاه معرفت حاصل به صورت دفعی نیست؛ بلکه برخلاف تجربه‌گرایی به صورت تدریجی و با انضمام سایر نشانه‌ها و در اصطلاح ابداکسیون<sup>۱</sup> ایجاد می‌شود. وی در توضیح این استدال آن را در مقابل قیاس و استقرا قرار می‌دهد و بیان می‌کند که در قضیه زیر: صغری: همه انسان‌ها فانی هستند، کبری: سقراط فانی است، نتیجه: پس سقراط انسان است، ابداکسیون رخ داده است؛ زیرا نتیجه حاصل قطعی نیست؛ ولی در جایی که بهترین تبیین و تفسیر برای فانی بودن سقراط، انسان بودن اوست، این استنتاج راه‌گشاست و این شیوه در تمام اندیشه‌های انسان جاری است (جواندل، ۱۳۸۰: ص ۱۶۷).

## تعریف لغوی تضمین

تضمین در لغت از ریشه «ضمن» گرفته شده است که به معنای قراردادن چیزی در چیز دیگر است، به صورتی که آن را در بر گیرد (ابن فارس، ۱۹۷۹، ج ۳، ص ۳۷۲). فیومی در تعریف واژه‌شناسانه این واژه

1 abduction

می‌نویسد: «ضَمَّنَتِ الشَّيْءَ كَذَا: جَعَلْتَهُ مُحْتَوِيًا عَلَيْهِ «فَتَضَمَّنَهُ» أَيُ فَاشْتَمَلَ عَلَيْهِ وَ احْتَوَى؛ فعل این ریشه به معنای او را حاوی آن قرار داد، است؛ پس گفته می‌شود «تَضَمَّنَهُ» به این معنا که شامل آن چیز شد» (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۶۴). با توجه به آنچه گفته شد، مشخص می‌شود این واژه در لغت به معنی آن است که چیزی، چیز دیگری را در بر گیرد.

اصطلاح تضمین در هر یک از علوم بلاغت، عروض و نحو معنای ویژه خود را دارد. در کاربرد اصطلاحی این واژه اختلاف نظرهایی دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که معانی متعددی برای آن ارائه شده است و حتی در یک علم نیز این اختلاف معنایی دیده می‌شود؛ برای نمونه گاهی در علم نحو، از این واژه معنای لغوی آن ارائه شده است (مردانی، ۱۳۹۵: ۴۱) و گاهی معنای دیگری؛ از این رو، باید به بررسی برخی از این تعاریف‌ها توجه کرد تا معنای مناسب برای این اصطلاح به دست آید:

### تضمین در عروض

در علم عروض بنا به تعریف/بن‌رشیق تضمین عبارت است از: «و التضمین أن تتعلق القافية أو لفظه مما قبلها بما بعدها؛ تعلیق قافیه یا لفظش به ما بعد آن» (بن‌رشیق، ۱۹۸۱: ج ۱، ۱۷۱)؛ مانند شعر نابغه ذبیانی:

و هم وردوا الجفار علی تمیم	و هم أصحاب یوم عکاظ اینی
شهدت لهم مواطن صالحات	وثقت لهم بحسن الظن منی

و بنی‌اسد بازگردانند در جنگ جفار بر بنی‌تمیم و آنها اصحاب روز عکاظ هستند.  
من شاهد بودم با آنها در سرزمین صالحات و من اعتماد دارم به آنها با حسن ظن از من

### تضمین در بدیع

تضمین در علم بدیع به معنای آن است که شاعر یک بیت یا کمتر یا بیشتر از آن را از شاعر دیگر در شعر خود استفاده کند. جرجانی در این باره گفته است: «تضمین الشاعر شعره من شعر غیره فإن كان المأخوذ بيتاً أو أكثر سمي استعانة و إن كان مصراعاً فيما دونه سمي إيداعاً: شاعر در شعرش از شعر دیگری بیاورد اگر این شعر یک بیت یا بیش از آن باشد به آن استعانت گفته می‌شود اگر کمتر از یک بیت باشد به آن ایداع گویند» (جرجانی، ۱۹۹۷: ۲۸۹) مانند:

ان كنت أزمعت علی هجرنا	من غیر ما جرم فصبر جمیل
و ان تبدلت بنا غیرنا	فحسبنا الله و نعم الوکیل

اگر بر دور شدن از ما تصمیم گرفته‌ای بدون گناهی که از ما سر زده باشد، پس پیشه ما شکیبایی شایسته است و اگر دیگری را جایگزین ما ساخته‌ای، پس خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است.

### تضمین بیانی

رمانی در تعریف این اصطلاح آورده است: «تضمین الکلام هو حصول المعنی فیه من غیر ذکر له باسم أو صفة: تضمین کلام به معنای به دست آمدن معنایی در کلام است، بدون آنکه اسم یا صفتی برای آن ذکر شود» (رمانی، بی‌تا: ۱۰۲)؛ این معنا با همان معنای التزامی که در منطق از آن بحث شده است، مطابقت

دارد؛ زیرا معنای التزامی معنایی است که بدون ذکر لفظی در کلام از آن فهمیده می‌شود و در اینجا نیز تعریف رمانی مطابق با این تعریف است که در پژوهش‌های نو زبان‌شناسی از آن به معنای شعاعی تعبیر شده است (سلیمی، ۲۰۱: ۱۳۹۶).

### تضمین نحوی

براساس دیدگاه جمهور نحویان بصری حروف جر نمی‌توانند بیش از یک معنا داشته باشند؛ از این رو، نمی‌توانند جایگزین یکدیگر شوند (سامرای، ۱۴۲۰: ج ۳، ۷). در این نظریه هر حرف جر تنها یک معنای حقیقی دارد (حسن، ۱۴۲۸: ج ۳، ۴۱۹)؛ از این رو، حرف جر «باء» به صورت حقیقی تنها در معنای الصاق به کار می‌رود و حرف «الی» تنها نماینده انتهای غایت است.

این نگاه بر این ادعا مبتنی است که اگر اجازه تناوب در حروف جر داده شود، قواعد زبانی دچار نابسامانی می‌شوند و هر حرفی می‌تواند جایگزین حرف دیگر شود؛ از این رو، تعیین معنای کلام ناممکن می‌شود؛ برای نمونه به جای آنکه گفته شود: «سرت من البصره الی کوفه» می‌توان گفت: «سرت الی البصره من الکوفه» و معنایی مشابه معنای جمله نخست اراده کرد؛ اما اشکال عمده‌ای که بصریان باید پاسخگوی آن می‌بودند، بحث استعمالات عرب بود که در موارد بسیاری برخلاف قاعده آنها عمل می‌کردند و حروف جر را به جای هم به کار می‌بستند و این چالش سبب شد بصریان در پی چاره‌جویی به تضمین روی آورند. تضمین در معنایی ساده‌انگارانه یعنی به جای توسعه در معنای حروف تنها به توسعه در معنای افعال توجه شود (زرکشی، ۱۹۵۷: ج ۳، ۳۳۸). همان گونه که بیان شد، راهکار بصری‌ها برای برون‌رفت از اشکال تناوب حروف، بحث تضمین و مجاز بود؛ از این رو، بحث تضمین در معنای حروف جر یکی از مباحث مهم به شمار می‌رود. با وجود این، نه در تألیفات جدید ادبی و نه در نوشته‌های قدما به این موضوع به صورتی که بایسته بوده است، توجه نشده است.

اما چنانکه در تعریفی از تضمین ارائه شده است، این تعاریف به صورت معمول جامعیت ندارند و راه تشخیصی تضمین در قرآن با استفاده از این تعاریف مسدود است و چه بسا با مراجعه به تفاسیر دچار سرگردانی شویم؛ زیرا در موارد پرشماری مفسران به تضمین اشاره می‌کنند؛ در حالی که تعاریف ارائه شده گنجایش چنین مواردی را ندارند.

مشکل دیگری که در بحث تضمین در کتب ادبی وجود دارد، این مسئله است که در کاربرد تضمین به صورت عملی باید از چه شیوه‌ای در ترجمه و معنای این اسلوب استفاده کرد؛ به عبارت دیگر، پس از مشخص شدن تضمین در یک کلام، معنای آن را چگونه باید تغییر داد؟ از این رو، این دو مسئله که از نواقص بررسی‌های تضمین در قرآن است، باید پیش از ورود به بحث بررسی شوند.

در تعریف این اصطلاح در علم نحو ابن جنی در "الخصائص" می‌گوید: «اگر فعلی به معنای فعل دیگر باشد و یکی از آنها متعدی به یک نوع حرف باشد و دیگری به حرف دیگر متعدی شود، در این صورت عرب وسعت می‌دهد. پس یکی از دو حرف به جای دیگری جای می‌گیرد برای اینکه نشان دهد این فعل در معنای فعل دیگر است و از این رو، همراه با حرفی که جایگزین شده با حرف معمول فعل معنایی که با اوست می‌آید و از این دست است آیه ۱۸۷ بقره: «رفث علی النساء»؛ چراکه در این آیه گفته نمی‌شود به سوی زن جماع

نمودم؛ بلکه گفته می‌شود با زن یا همراه او جماع نمودم؛ اما اگر رفت در اینجا به معنای رسیدن باشد و مانند افضیت که با الی متعدی می‌شود مانند گفتار «به زنی رسیدم» آمدن «الی» با رفت موجب آن می‌شود که این معنا نیز همراه آن به رفت انتقال یابد<sup>۱</sup> (ابن جنی، بی تا: ج ۲، ۳۱۰).

ابوالبقاء الکفوی نیز درباره معنای این اصطلاح چنین بیان کرده است: «تضمین پذیرش معنی فعلی برای فعل دیگر است برای آنکه با آن معامله فعل نخست شود» (ابوالبقاء الکفوی، بی تا: ۲۶۶). بدون شک از ظاهر آنچه ابوالبقاء بیان کرده است، می‌توان این نکته را دریافت که دو دیدگاه تفاوت دارند؛ زیرا سخن وی از اشراب است و این به آن معناست که معنی اصلی واژه پابرجاست و مراد جدی گوینده است؛ اما لفظ آورده شده علاوه بر معنای ذکر شده معنای دیگری هم خواهد داشت؛ در حالی که از کلام ابن جنی می‌توان چنین برداشت کرد که معنای ثانوی جایگزین معنای اولیه لفظ شده است. هر چند ممکن است بتوان تعریف وی را با دیدگاه ابن جنی جمع کرد؛ به این معنا که چون ابن جنی درباره معنای جدید سخن گفته است، از بقای معنای اولیه سخنی بیان نکرده است و گر نه دیدگاه او با ابوالقاء یکی است؛ اما نقل قولی که آورده است و تصریح وی در عبارات بعدی نشان می‌دهد فهم او از تضمین با ابن جنی کمی تفاوت دارد. وی در ادامه می‌نویسد:

«کل من المعنیین مقصود لذاته فی التضمین، إلا أن القصد إلی أحدهما و هو المذكور بذكر متعلقه یكون تبعاً للآخر هو المذكور بلفظه و هذه التبعیه فی الإراده من الکلام، فلا ینافی کونه مقصوداً لذاته فی المقام و به یفارق التضمین الجمع بین الحقیقه و المجاز، فإن کلا من المعنیین فی صوره الجمع مراد من الکلام لذاته، مقصود فی المقام أصله و لذلك اختلف فی صحته مع الاتفاق فی صحه التضمین» (ابوالبقاء الکفوی، بی تا: ۲۶۶).

درواقع، دیدگاه وی بر این اساس استوار است که او استعمال یک لفظ در بیش از یک معنا را پذیرفته است (اسنوی، ۱۹۹۹: ۱۱۴)؛ در حالی که در دیدگاه ابن جنی یک معنا برای لفظ در نظر گرفته شده است. این نگاه سبب شده است وی تضمین را جمع بین حقیقت و مجاز نداند. در نگاه وی هر دو معنا حقیقت و هم‌عرض هم برای یک لفظ در نظر گرفته می‌شوند و این نشان می‌دهد تضمین در جایی ممکن است که دو معنا قابلیت جمع با هم را داشته باشند.

اما ممکن است گفته شود دیدگاه وی تبدل معناست؛ به این صورت که با جمع بین دو معنا، معنای سومی شکل می‌گیرد که ترکیبی از دو معنای پیشین است؛ در واقع، در تضمین جعل مرکب صورت گرفته است، نه آنکه دو جعل مجزا برای لفظ در نظر گرفته شود تا در معنا ایهام به وجود آید؛ اما در رد این دیدگاه باید به گفتاری از خود او اشاره کرد که گفته است فایده تضمین، قرار گرفتن یک کلمه به جای دو کلمه است

۱. اعلم أن الفعل إذا كان بمعنی فعل آخر، وكان أحدهما يتعدى بحرف و الآخر بأخر. فإن العرب قد تتسع فتوقع أحد الحرفین موقع صاحبه إیداناً بأن هذا الفعل فی معنی ذلك الآخر. فلذلك جيء معه بالحرف المعتاد مع ما هو فی معناه. وذلك كقول الله: «أجل لكم ليلة الصيام الرّفث إلی نساءكم» (بقره/۱۹۷) و أنت لا تقول: رفثت إلی المرأه. وإنما تقول: رفثت بها أو معها. لكنه لما كان الرّفث هنا فی معنی الإفضاء و كنت تعدي أفضیت بـ «إلی» كقولك: أفضیت إلی المرأه جنت بـ «إلی» مع الرّفث إیداناً و إشعاراً أنه بمعناه.



و این نشان می‌دهد جعل در تضمین، جعل بسیط است که دو معنا را به واسطه یک لفظ به مخاطب القا می‌کند:

«فائدة التضمین هی أن تؤدی کلمة مؤدی کلمتین، فالکلمتان مقصودتان معا قصدا و تبعا، فتارة يجعل المذكور أصلا والمحدوف حالا، كما قيل فی قوله تعالی: (وَ لِنُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ) كأنه قيل: و لتكبروا الله حامدين علی ما هداکم، و تارة بالعکس، كما فی قوله تعالی: (وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ) أی: يعترفون به مؤمنين» (ابوالبقاء الکفوی، بی تا: ۲۶۶).

البته وی در تفسیر تضمین یک معنا را اصل و دیگری را در نقش قید حال آن قرار داده است. روشن است که با این کار هر دو معنا در طرف اسناد معنا جمع خواهد شد.

تعریف دیگر ارائه شده برای تضمین، تعریف ابن هشام است:

«لقاعدة الثالثة قد يشربون لفظا معنى لفظ فيعطونه حکمة و یسمی ذلك تضمینا و فائدته: أن تؤدی کلمة مؤدی کلمتین: گاه می‌شود که عرب معنای واژه‌ای را در واژه‌ای می‌ریزند و حکم آن لفظ غیرمذکور را به مذکور می‌دهند و آن را تضمین می‌نامند و فایده آن این است که یک کلمه معنای دو کلمه را بیان می‌کند» (ابن هشام، ۱۹۸۵: ج ۱، ۸۹۷).

ظاهر قول ابن هشام با قول ابوالبقاء متناسب است؛ زیرا وی یک واژه را در معنای دو واژه می‌داند؛ اما مثال‌هایی که وی ارائه می‌دهد با آنچه ابن جنی می‌گوید، تناسب دارد؛ برای نمونه در آیه «وَ مَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ» (آل عمران/ ۱۵)، سبب متعدی شدن «يُكْفَرُوهُ» به دو مفعول را تضمین ماده «کفر» می‌داند. دیدگاه وی درباره تضمین در این آیه برابر نگاه ابن جنی است. وی این ماده را متضمن معنی: «فَلَنْ يَحْرَمُوهُ أی: فَلَنْ يَحْرَمُوا ثوابه» می‌داند.

## نشانه‌شناسی

دانشمند آلمانی، کارل بولر<sup>۱</sup>، زبان را ابزاری برای ارتباط مردم با یکدیگر معرفی می‌کند (بولر، ۱۹۳۴: ۲۲). این دانشمند بزرگ برای این مهم الگویی طراحی کرد که بعدها در مطالعات کاربردی معنا، اصل ضروری به شمار آمد. وی بر این اعتقاد بود که هر نشانه<sup>۲</sup> زبانی در یک زمان سه نقش ایفا می‌کند: ۱- نقش نماد<sup>۳</sup> که به واسطه آن به موضوعی خارجی اشاره می‌کند. ۲- نقش نشان<sup>۴</sup> که به وسیله آن اطلاعاتی از فرستنده به دست می‌آید و ۳- نقش علامت<sup>۵</sup> که در اثر آن گیرنده واکنشی نمایان می‌کند (رنکما، ۱۹۹۳: ۷).

اما دکارت و لاک معتقد بودند علم بدون واسطه در ذهن در اختیار فرد قرار می‌گیرد و شهود می‌شود (جواندل، ۱۳۸۰: ۱۶۳) و در واقع، دیدگاهی مانند آنچه فیلسوفان اسلامی در حضوری بودن علم نزد عالم

1 Karl Bühler

2 sign

3 resentation

4 expression

5 appeal

بیان داشته بودند، مطرح می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۸۶: ج ۴، ۹۲۰). در مقابل پرس (۱۸۳۹-۱۹۱۴ م) به مخالفت با علم، به نفس یا درون‌نگری می‌پرداخت؛ از این‌رو، در دیدگاه وی همه اندیشه‌های انسانی به‌وسیله نشانه‌ها برای وی معلوم می‌شود و نشانه را نیز بدیهی قلمداد نمی‌کند؛ بلکه تفسیر آن را در کنار اندیشه یا تصویر دیگر واجد معنا می‌داند؛ از این‌رو، ارتباط سه رکن شیء<sup>۱</sup>، نشانه و تفسیرگر<sup>۲</sup> یا نشانه ذهنی، معنای هر اندیشه را می‌سازد (شرف، ۱۹۹۴: ۳۶-۳۵)؛ برای نمونه لفظ گل را می‌توان نشانه، گل خارجی را شیء و گل ذهنی را - که از برخورد ذهن با نشانه به دست می‌آید - مفسر دانست. این دیدگاه را می‌توان تا حدودی مشابه دیدگاه سنتی به دال و مدلول دانست که در آن دال با لفظ گل و مدلول با تصویر ذهنی یا نشانه ذهنی مترادف‌اند و شیء نیز همان گل خارجی است که دال بر آن دلالت می‌کند (طوسی، ۱۳۶۷: ۶۲). در این دیدگاه معرفت حاصل به صورت دفعی نیست؛ بلکه برخلاف تجربه‌گرایی به صورت تدریجی و با انضمام سایر نشانه‌ها و در اصطلاح ایداکسیون ایجاد می‌شود. وی در توضیح این استدال آن را در مقابل قیاس و استقرا قرار می‌دهد و بیان می‌کند که در قضیه زیر: صغری: همه انسان‌ها فانی هستند، کبری: سقراط فانی است، نتیجه: پس سقراط انسان است، ایداکسیون رخ داده است؛ زیرا نتیجه حاصل قطعی نیست؛ ولی در جایی که بهترین تبیین و تفسیر برای فانی بودن سقراط، انسان بودن اوست، این استنتاج راه‌گشاست و این شیوه در تمام اندیشه‌های انسان جاری است (جواندل، ۱۳۸۰: ۱۶۷).

## نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد، برای روشن شدن اینکه در بحث تضمین کدام دیدگاه صحیح است، باید به این نکته توجه کرد که در تضمین دو دال متفاوت در کنار هم قرار گرفته‌اند که با قاعده متناسب با زیادت‌المبانی تدل علی زیادت‌المعانی باید برای هر کدام از این دو دال معنای جداگانه‌ای در نظر داشت؛ چنانکه این دیدگاه با دیدگاه نشانه‌شناسی و نمودار بولر متناسب است. از دیگر سو، در نگاه پرس هیچ نشانه‌ای به‌تنهایی معنا ندارد؛ بلکه هر نشانه در کنار نشانه دیگر و در یک اتحاد انضمامی دارای معنا می‌شود؛ از این‌رو، حرف و فعل در نگاه وی به‌تنهایی معنای حقیقی ندارند و اصولاً از نگاه نشانه‌شناسی پرس، معنای حقیقی با تعریف موجود در نگاه سنتی تحقق نمی‌یابد؛ زیرا پرس معناداری گزاره‌ها را برآیندی از در کنار هم قرار گرفتن نشانه‌ها می‌داند و نشانه بما هی هی و بدون قرارگرفتن در کنار سایر نشانه‌ها بدون معنا فرض می‌شود؛ از این‌رو، در نگاه پرس نه حرف و نه معنا هیچ کدام معنای حقیقی پیدا نمی‌کنند تا بحث شود که آیا توسعه در معنای حروف است یا در معنای فعل و این توسعه در معنای فعل به چه شیوه‌ای محقق می‌شود؛ بلکه در نگاه وی فرایند معناداری فرایندی دوسویه است که در یک سو، نشانه حرف و در سوی دیگر، نشانه فعل وجود دارد و این دو در یک کنش معنایی دوطرفه، یک معنا را ایجاد می‌کنند.

برای روشن شدن بهتر این موضوع می‌توان از نگاه سنتی به حروف بهره برد؛ زیرا در نگاه سنتی درباره حروف چنین گفته می‌شود که این واژه‌ها کلماتی هستند که خود به‌تنهایی معنای خاصی را افاده نمی‌کنند

1 object

2 interpretant

و معنای آنها هنگامی کامل می‌شود که همراه متعلقی ذکر شوند. با توجه به این مهم، معنای ارائه‌شده در حروف به کمک متعلق آنهاست و متعلق آنها در معنا تأثیرگذار است؛ چنانکه در نگاه نشانه‌شناسی پرس نیز معنای حروف هنگامی کامل می‌شود که در کنار سایر نشانه‌ها قرار داشته باشد؛ با این تفاوت که در نگاه سنتی به زبان هنگامی که متعلق آنها برخلاف عادت آن باشد، باید معنای آن تغییر پیدا کند و نتیجه این است که تغییر در متعلق حروف جر سبب تغییر در معنای حرف جر نیز می‌شود؛ ولی در نگاه پرس هر نوع حرف جر و متعلقی، معنای ویژه‌ای را تولید می‌کنند که رفتاری دوسویه است و تنها متعلق یا حرف جر در آن نقش ندارند؛ بلکه هر دو در آن مؤثرند؛ از این رو، در بحث تضمین معنای حاصل از تضمین معنایی مرکب است که هم از فعل گرفته شده است و هم از حرف جر؛ یعنی مدلولی که نشانهٔ حرف جر و نشانهٔ فعل بر آن دلالت می‌کنند، ترکیبی از این دوست و نمی‌تواند به‌تنهایی کلامی دارای معنا داشته باشد؛ برای نمونه در آیهٔ «وَ إِذَا حَلَّا بُعْضَهُمْ إِلَىٰ بُعْضٍ» (بقره/۷۶)، براساس دیدگاه پرس معنای فعل «حلا» که با «الی» متعدی شده است، ترکیبی از دو نشانه در کنار هم است که از کنار هم قرار گرفتن سایر نشانه‌ها نیز متأثر از آن است که تنها منظور نشانه‌های لفظی نیست؛ بلکه اعم از نشانه‌های لفظی و غیرلفظی است؛ در نتیجه، برای فهم این اسلوب لازم است همهٔ نشانه‌ها کنار هم قرار گیرند تا معنای آن یافت شود؛ از این رو، در این دیدگاه هر اسلوب معنای ویژهٔ خود را افاده می‌کند؛ در این صورت، این فعل به دلیل آنکه در مقابل فعل «لقوا: ملاقات» قرار گرفته است: «وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا» (بقره/۷۶)، باید معنایی متضاد از معنای نشانهٔ پیش رو داشته باشد؛ از این رو، معنای خلا همان معنای خلوت کردن است؛ اما با توجه به اینکه «حلا» در آیه با «الی» متعدی شده است، می‌توان دریافت این نوع از خلوت در غایت پنهانی صورت گرفته است.

این نظریه با مطلب دیگری نیز مخالفت می‌کند و آن اینکه هنگام بررسی معناشناسی یک کلام نخست باید به مفاد معنایی آن درون کلام پرداخته شود و در مقام دوم دربارهٔ مدالیل خارجی بحث می‌شود؛ به عبارت دیگر، برخی از مفسران قرآن برخلاف این دیدگاه، بررسی درون‌متنی آیه را مقدم بر سایر بررسی‌ها دانسته‌اند؛ اما در این رویکرد از نشانه‌شناسی همهٔ قراین، چه لفظی و چه غیرلفظی، در جهت ادراک پیام گوینده در یک عرض‌اند و ترتیبی برای آنها وجود ندارد. برای فهم کلام باید همهٔ آنها را در یک نگاه بررسی کرد. تفاوت میان دو دیدگاه در بررسی آیهٔ مذکور نیز مشاهده می‌شود؛ زیرا براساس دیدگاه نخست باید تعیین شود معنای جملهٔ «وَ إِذَا حَلَّا بُعْضَهُمْ إِلَىٰ بُعْضٍ» چیست و سپس به سراغ معنای کلی آیه رفت؛ ولی در دیدگاه پرس هم معنای اجزای آیه مهم است هم معنای نشانه‌های خارجی آیه مانند شأن نزول. اموری مانند دانش دایره‌المعارفی نیز به همان اندازه مهم‌اند.

## کتابنامه

قرآن کریم.

ابن جنی، ابوالفتح عثمان. بی‌تا، الخصائص. مصر: الهیئه المصریه العامه للکتاب.

ابن‌رشیق، ابوالحسن. ۱۹۸۱ق، بیروت: دار الجیل.

ابن فارس، ابوالحسن. ۱۹۷۵ق، مقایس اللغه. بیروت: دار الکتب العربی.

- ابوالبقاء الكفوی، الف. بی تا، الكلیات معجم فی المصطلحات و الفروق اللغویه. بیروت: مؤسسه الرساله.
- ابن هشام ع. ۱۹۸۵ م، مغنی اللیب عن كتب الأعراب. دمشق: دارالفكر للطباعة و النشر و التوزیع.
- اسنوی، ج. ۱۹۹۹ ق، نهایی السؤل شرح منهاج الوصول. بیروت: دار الكتب العلمیه.
- حسن، ع. ۱۴۲۸ ق، نحو الوافی. بیروت: مكتبه المحمدی.
- جواندل، ن. ۱۳۸۰ ش، نشانه‌شناسی پرس. نامه مفید، شماره ۲۶.
- جرجانی، علی بن محمد. ۱۹۹۷ ق، الاشارات و التنبيهات، مصر: مكتبه الادب.
- رمانی، علی. بی تا، النکت فی إعجاز القرآن، ضمن ثالث رسائل إعجاز القرآن. قاهره: دارالمعارف.
- زجاجی، الف. ۱۹۸۶ ق، الإيضاح فی علل النحو. بیروت: دارالنفائس.
- زرکشی، الف. ۱۹۵۷، البرهان فی علوم القرآن. بیروت: دار إحياء الكتب العربیه عیسی البابی الحلبي و شركائه.
- سامرائی، ف. ۱۴۲۰ ق، معانی النحو. اردن: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع.
- طباطبایی، محمد. ۱۳۸۶ ش، نهاییه الحكمه. قم: مركز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- طباطبایی، محمد. ۱۳۸۵ ش، تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، ن. ۱۳۶۷ ش، اساس الاقتباس، تهران: دانشگاه تهران.
- فیومی، الف. ۱۴۱۴ ق، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی. قم: مؤسسه دار الهجره.
- مردانی، ع. ۱۳۹۵ ش، تضمین در آیینة نقد. قم: فجر قرآن.
- سلیمی، ف. ۱۳۹۶ ش، بررسی معانی شعاعی عناصر بافت‌بنیان در گفتمان قرآنی. پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، شماره ۱۲.

- Bühler, K. (1934). Sprachtheorie: die Darstellungsfunktion der Sprache, G. Fischer.
- Crystal, D. (2008). A Dictionary of Linguistics and Phonetics. English: Wiley-Blackwell.
- Renkema, J. (1993). Discourse studies: an introductory textbook, J. Benjamins.
- Sheriff, J. (1994) Charles, pierces Guess at the Riddle: Ground for Human Significance. Indiana: Indiana University press.

#### COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

**ارجاع:** رجالی مجید، یوسفی محمدرضا، معصومی محمدحسن، بررسی معنای تضمین در قرآن با استفاده از روش نشانه‌شناسی پرس، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۳، شماره ۵۰، تابستان ۱۴۰۱، صفحات ۴۷-۵۸.